

هنر خفن بودن برای کم سن و سال ها

نویسنده: آندرو کوپ، دارل وودمن، اندی ویتاکروا می بردلی
مترجم: طلایه زهره وندی



آوند دانش

عنوان و نام پدیدآور	هنر خفن بودن برای کم سن و سال ها/ نویسندگان اندی کوپ... [و دیگران]؛ مترجم طلایه زهره وندی؛
مشخصات نشر	ویراستار بهاره حق وردی.
مشخصات ظاهری	تهران: آوند دانش، ۱۴۰۰.
شابک	۱۱۸ ص: ۵/۱۴/۵۱؛ ۲۱/۵۱ س.م.
وضعیت فهرست نویسی	۹۷۸-۶۲۲-۲۶۲-۰۳۷-۰
یادداشت	فیبا
موضوع	عنوان اصلی: [2015], ©2015. The art of being a brilliant teenager,
موضوع	خودسازی -- ادبیات کودکان و نوجوانان
موضوع	Self-actualization (Psychology) -- Juvenile literature
موضوع	نوجوانان -- راهنمای مهارت های زندگی
موضوع	Teenagers -- Life skills guides
شناسه افزوده	کوپ، اندرو، ۱۹۶۶-م.
شناسه افزوده	Cope, Andrew, 1966-
شناسه افزوده	زهره وندی، طلایه، ۱۳۵۳- مترجم
رده بندی کنگره	BF۶۳۷
رده بندی دیویی	[ج]۱۵/۷۱
شماره کتابشناسی ملی	۸۰۴۸۳۵۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا



هنر خفن بودن برای کم سن و سال ها

نویسنده: آندرو کوپ، دارل وودمن، اندی ویتاکرو امی بردلی | **مترجم:** طلایه زهره وندی | **ویراستار:** بهاره حق وردی | **طراحی گرافیک:** استودیو حربی | **تاریخ انتشار:** سال ۱۴۰۰ | **چاپ اول:** تیراژ: ۵۰۰ نسخه | **لیتوگرافی، چاپ و صحافی:** چاپ محمد

نشانی ناشر و مرکز پخش: خیابان پاسداران، خیابان گل نبی، خیابان ناطق نوری، بن بست طلائی، پلاک ۴ تلفن: ۲۲۸۹۳۹۸۸ نمابر: ۲۲۸۷۱۵۲۲ | **فروشگاه:** ضلع جنوبی پارک قیطره، خیابان شهاب، تقاطع روشنندان، پلاک ۲۵. کتاب فروشی آوند تلفن: ۲۲۳۹۵۲۹۳

شابک: ۰۳۷-۰۳۷-۲۶۲-۶۲۲-۹۷۸ | **قیمت:** ۵۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق این کتاب نزد ناشر محفوظ است.

فهرست

www.ketab.ir

پیش درآمد، صفحه ی ۲

من باب گرم کردن، صفحه ی ۱۱

جاسابونی، صفحه ی ۱۵

خانم هیوستن، ما یک مشکلی داریم، صفحه ی ۱۹

شیمی، صفحه ی ۲۳

واقعی بودن، صفحه ی ۲۷

عادت ها، صفحه ی ۴۱

در جست و جوی رنگین کمان، صفحه‌ی ۴۵

جادوی میمونی، صفحه‌ی ۵۳

شور و اشتیاق، صفحه‌ی ۵۷

مرغ همسایه غاز است، صفحه‌ی ۶۵

عصر جدید، صفحه‌ی ۷۱

پرواز کن، صفحه‌ی ۷۷

آسایش، صفحه‌ی ۸۱

مردم، صفحه‌ی ۸۷

فشاردن، صفحه‌ی ۹۱

فکرکردن، صفحه‌ی ۹۴

تماس تلفنی با یک دوست، صفحه‌ی ۹۹

قابلیت بازگشت به عقب، صفحه‌ی ۱۰۳

آینده، صفحه‌ی ۱۰۵

حماقت، صفحه‌ی ۱۰۷

قهرمان‌ها، صفحه‌ی ۱۱۳

پیش درآمد

روزگاری بود که دوست داشتم در سر دیگران فرو کنم که بالاخره من هم قد می کشم، بزرگ و قوی می شوم، کار پیدا می کنم، با عشق زندگی ام ازدواج می کنم، صاحب بچه های قدونیم قد کاکل زری می شوم و بعد از آن خوش و خرم در یک خانه پنج خوابه زندگی می کنم. تازه به صورت نیمه وقت هم به عنوان یک فوتبالیست حرفه ای یا فضا نورد کار می کنم. خواهی نخواهی این اتفاق می افتاد. تنها کاری که باید می کردم، این بود که منتظر بمانم. حداقل وقتی که هفت ساله بودم این طور فکر می کردم. من در انتظار کشیدن، فاجعه بودم! می خواستم بزرگ بشوم. دلم می خواست سن روی سن بگذارم. من آن آینده شگفت انگیز را می خواستم، همین حالا.

مادرم به من می گفت دندان روی جگر بگذارم. می گفت این همه عجله برای چیست؟ آن هم وقتی قرار است روزهای مدرسه بهترین روزهای عمر من باشد. پدر و مادر من اشتباه می کردند، نه؟ سن و سال آن ها زیاد است. شاید زمان آن ها مدرسه ها جور دیگری بوده است. شاید آن ها در یک کلاس درندشت کنار هم می نشستند، جایی که بچه های بزرگ تر هوای بچه های کوچک تر را داشتند. این تغییرات قبل از تغییر جهانی آب و هوا بود؛ زمانی که آن ها از خانه با «نیکر باکرها»^۱ خود زیر آفتاب تابان به مدرسه می رفتند، در حالی که کیف مدرسه خود را شاد و خوش حال در هوا تاب می دادند. تکنولوژی کاری به کار روزگار آن ها نداشت.